

بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

دکتر محمد نمازی - استاد حسابداری، دانشگاه شیراز

انور بایزیدی - کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه شیراز

سعید جبارزاده کنگرلویی - دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات و

عضو هیأت علمی واحد ارومیه

چکیده

این پژوهش به بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. جهت تعیین کیفیت حسابرسی از دو معیار اندازه حسابرس [۲۱ و ۱۹ و ۱۲ و ۱۱] و دوره تصدی حسابرس [۱۸] و به منظور محاسبه مدیریت سود از مدل تعدیل شده جونز [۱۳] استفاده شده است. در این پژوهش، تعداد ۶۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره‌ی زمانی ۱۳۸۶-۱۳۸۰ بررسی شده است. جهت آزمون فرضیه‌ها از مدل‌های رگرسیونی حداکثر درست‌نمایی^۱ - لوجیت باینری^۲ و نرم‌افزار اقتصادسنجی Eviews 6 استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در حالت کلی یک رابطه مثبت و ضعیف بین معیارهای اندازه حسابرس (حسن شهرت حسابرس) و دوره تصدی حسابرس و مدیریت سود وجود دارد، ولی این رابطه از لحاظ آماری معنی‌دار نمی‌باشد. به دلیل وجود مشکل هم‌خطی در مدل کلی، رابطه بین متغیرها به صورت جداگانه بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که بین مدیریت سود و اندازه حسابرس، یک رابطه مثبت ولی غیر معنی‌دار و هم‌چنین بین مدیریت سود و دوره تصدی حسابرس رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. در این پژوهش برای تعیین معنی‌داری کل مدل رگرسیونی از آماره ضریب تعیین مک‌فادن^۳ و آماره نسبت درست‌نمایی^۴ استفاده شده است.

1 Maximum Likelihood

2 Binary Logit

3 McFadden determination coefficient

4 Likelihood Ratio

واژه‌های کلیدی: کیفیت حسابرسی، دوره تصدی حسابرس، اندازه حسابرس، مدیریت سود و بورس اوراق بهادار تهران.

۱- مقدمه

یکی از اقلام صورت‌های مالی که به عنوان معیار ارزیابی عملکرد و توانایی سودآوری واحد انتفاعی مورد توجه قرار می‌گیرد، "گزارش‌گری سود" می‌باشد. اما محاسبه سود خالص یک واحد انتفاعی متأثر از روش‌ها و برآوردهای حسابداری است. اختیار عمل مدیران در استفاده از اصول تحقق و تطابق، برآورد و پیش‌بینی و هم‌چنین اعمال روش‌هایی نظیر تغییر روش ارزیابی موجودی کالا، استهلاک سرفللی، هزینه جاری یا سرمایه‌ای تلقی کردن هزینه‌های تحقیق و توسعه و تعیین هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول از جمله مواردی هستند که مدیران می‌توانند از طریق اعمال آن‌ها، سود را تغییر دهند. از یک طرف به دلیل آگاهی بیش‌تر مدیران از وضعیت شرکت، انتظار می‌رود بگونه‌ای اطلاعات تهیه و ارائه شود که وضعیت شرکت را به بهترین نحو منعکس کند. از طرف دیگر بنا به دلایلی نظیر ابقاء در شرکت، دریافت پاداش و...، مدیریت واحد انتفاعی خواسته یا ناخواسته ممکن است با دست‌کاری سود، وضعیت شرکت را مطلوب جلوه دهد. تحت چنین شرایطی سود واقعی با سود گزارش شده در صورت‌های مالی مغایرت داشته و رویدادی تحت عنوان مدیریت سود رخ داده است.

از سوی دیگر، کیفیت که تعیین‌کننده عملکرد حسابرسی است تابع عوامل متعددی از قبیل توانایی‌های حسابرس (شامل دانش، تجربه، قدرت تطبیق و کارایی فنی) و اجرای حرفه‌ای (شامل استقلال، عینیت، مراقبت حرفه‌ای، تضاد منافع و قضاوت) است [۵].

به طور کلی هدف حسابرسان، حفاظت از منافع سهامداران در مقابل تحریفات و اشتباهات با اهمیت موجود در صورت‌های مالی است. حسابرسان به منظور حفظ اعتبار حرفه، شهرت حرفه-ای خود و اجتناب از دعاوی قضایی علیه خود، به دنبال افزایش کیفیت حسابرسی هستند. در این میان انگیزه‌های مدیران در جهت اعمال منافع شخصی خود در کیفیت سود، مانع از رسیدن حسابرسان به اهداف خود می‌شوند. در مقابل حسابرسان می‌توانند با افزایش کیفیت حسابرسی، مدیریت سود صورت گرفته توسط مدیران را کشف کرده و مدیران را در اعمال مدیریت سود در تنگنا قرار دهند.

با توجه به مطالب ذکر شده، هدف این پژوهش بررسی ارتباط بین مدیریت سود و کیفیت حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و سعی می‌شود به این سؤال پاسخ داده شود که آیا کیفیت حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیری روی مدیریت سود در این شرکت‌ها دارد یا خیر؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، تأثیر رابطه چگونه است؟

۲- مبانی نظری پژوهش

در ادبیات حسابداری، ارائه تعریف درستی از مدیریت سود بسیار دشوار است زیرا مرز بین مدیریت سود (هموارسازی سود) و تقلب‌های مالی را نمی‌توان به روشنی تعیین نمود، هم‌چنین ساختار کیفیت حسابرسی از سازه‌های گوناگون کمی و کیفی از قبیل توانایی‌های حسابرس و اجرای حرفه‌ای تشکیل شده و به همین دلیل، اندازه‌گیری آن دشوار است. از آن‌جا که عوامل زیادی بر کیفیت حسابرسی تأثیر می‌گذارد، تعیین چهارچوبی برای تبیین کیفیت حسابرسی، موضوعی با اهمیت محسوب می‌شود.

دی آنجلو^۱ (۱۹۸۱) تعریف متداولی از کیفیت حسابرسی تحت عنوان "ارزیابی بازار"^۲ ارائه نموده است. "ارزیابی بازار" در واقع عبارت است از: احتمال این که حسابرس هم تحریفات با اهمیت در صورت‌های مالی و یا سیستم صاحب‌کار را کشف کند و هم تحریف با اهمیت کشف شده را گزارش کند. احتمال این که حسابرس موارد تحریفات با اهمیت را کشف کند، به "شایستگی" حسابرس و احتمال این که حسابرس موارد تحریفات با اهمیت کشف شده را گزارش کند، به "استقلال" حسابرس ارتباط پیدا می‌کند. [۱۲]

مهم‌ترین شاخص کمی اندازه‌گیری کیفیت حسابرس، "اندازه حسابرس" است که این دو با هم رابطه مستقیم دارند، به طوری که هر چه اندازه حسابرس بزرگ‌تر باشد، کیفیت حسابرسی بالاتر خواهد بود. در این پژوهش منظور از اندازه حسابرس، حسن شهرت حسابرس (نام تجاری) است. در نتیجه حسن شهرت حسابرس، اعتبار اطلاعات صورت‌های مالی افزایش یافته و لذا کیفیت حسابرسی بالاتر خواهد بود [۲۱ و ۱۹ و ۱۲]. یکی از شاخص‌های کمی اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی، "میزان مراقبت حرفه‌ای حسابرس و توانایی نظارت آن" یعنی "دوره تصدی حسابرس" است. هر چه دوره تصدی حسابرس بیش‌تر باشد، شناخت او از صاحب‌کار و تخصص

¹ DeAngelo

² The Market-Assessed

او در آن صنعت خاص بالاتر رفته و موجب افزایش کیفیت حسابرسی خواهد شد (مایرز^۱ و همکاران، ۲۰۰۳). در این پژوهش اندازه حسابرس و دوره تصدی حسابرس به ترتیب به عنوان شاخص‌های کیفیت حسابرس و کیفیت حسابرسی در نظر گرفته شده است. دلیل استفاده از این دو متغیر در این پژوهش، تفکیک کیفیت حسابرس از کیفیت حسابرسی است.

هیلی^۲ و والن^۳ (۱۹۹۹) معتقدند که مدیریت سود زمانی رخ می‌دهد که مدیر برای گزارش‌گری مالی از قضاوت شخصی خود استفاده می‌کند و این کار را با هدف گمراه کردن برخی از سهام‌داران درباره عملکرد واقعی و یا برای تأثیر در نتایج قراردادهایی که به ارقام حسابداری گزارش شده بستگی دارند، انجام می‌دهد [۱۶]، اما اسکات^۴ (۱۹۹۷) به مدیریت سود به عنوان اختیار شرکت در انتخاب سیاست‌های حسابداری برای دستیابی به برخی از اهداف خاص مدیر، اشاره می‌کند [۲۰]. کلاگ^۵ (۱۹۹۱) نیز دو انگیزه اصلی برای مدیریت سود تعریف می‌کند: تشویق سرمایه‌گذاران برای خرید سهام شرکت و افزایش ارزش بازار شرکت. [۱۷] دی^۶ (۱۹۸۸) بیان می‌کند که مدیریت سود معمولاً "از استفاده مدیران از مزایای عدم تقارن اطلاعاتی ناشی می‌شود. وی حداقل دو مسأله مهم را مطرح نموده است. اولاً، برای افزایش پاداش مدیران که توسط سرمایه‌گذاران تأمین می‌شود، سود دست‌کاری می‌شود و ثانیاً، سرمایه‌گذاران بالفعل تمایل دارند که بازار برداشت بهتری از ارزش شرکت داشته باشد. بنابراین، انتقال ثروت بالقوه از سرمایه‌گذاران جدید به سرمایه‌گذاران قدیمی که ایجادکننده یک تقاضای داخلی برای مدیریت سود هستند، بوجود می‌آید [۱۴]."

۳- پیشینه پژوهش

۳-۱- پیشینه پژوهش خارجی

دی آنجلو، پالمروس، تندلو و وانسترای لن و چن و همکاران [۲۱ و ۱۹ و ۱۲ و ۱۱]، مؤسسات حسابرسی عضو ۴ سازمان حسابرسی بزرگ (قبلاً" به ۶ مؤسسه حسابرسی بزرگ و ۸ مؤسسه بزرگ معروف بودند) را به عنوان مؤسسات حسابرسی بزرگ و دارای اعتبار و شهرت در نظر گرفته و حسابرسی‌های انجام گرفته شده به وسیله آن‌ها را به عنوان حسابرسی با کیفیت بالا مطرح نموده‌اند و آن را به عنوان معیار و شاخص کیفیت حسابرسی در پژوهش‌های خود ارائه کرده‌اند،

1 Myers

2 Heali

3 Wahlen

4 Scott

5 Kellog

6 Dye

چرا که شرکت‌های عضو ۴ مؤسسه بزرگ حسابرسی علاوه بر شهرت و اعتبارشان، در امر آموزش کارکنان و حفظ استقلال در برابر صاحب‌کاران و دیگر موارد مهم اثرگذار در افزایش کیفیت موفق عمل می‌کنند.

دچو^۱، سلوان^۲ و سویینی^۳ (۱۹۹۵)، عملکرد نسبی ۵ روش اقلام معوق اختیاری هیلی و دی آنجلو و جونز تعدیل شده را برای آگاهی از مدیریت سود مورد ارزیابی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که روش جونز تعدیل شده، آزمون مناسب‌تر و قوی‌تری برای بررسی مدیریت سود می‌باشد [۱۳].

بکر^۴ و همکاران (۱۹۹۸) و فرانسیس^۵ و همکاران (۱۹۹۹) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که در مواردی غیر از عرضه اولیه سهام، بالا بودن کیفیت حسابرسی با کاهش مدیریت سود همراه است [۹ و ۱۵].

مایرز و همکاران (۲۰۰۳) در پژوهشی نشان دادند که بالا بودن دوره تصدی‌گری حسابرس موجب شناخت و تخصص حسابرس در صنعت صاحب‌کار مربوطه می‌شود و هر چه دوره تصدی حسابرس بیشتر باشد کیفیت و پایداری سود هم بیشتر می‌شود [۱۸].

چن و همکاران (۲۰۰۵) در پژوهشی زیر عنوان "کیفیت حسابرسی و مدیریت سود برای شرکت‌های درگیر در عرضه عمومی سهام^۶ تایوان"، با انتخاب ۴ شرکت بزرگ حسابرسی به عنوان حسابرسان با کیفیت و مقایسه سود در شرکت‌های حسابرسی شده توسط این ۴ شرکت با سود در سایر شرکت‌هایی که توسط غیر این ۴ شرکت حسابرسی شده‌اند، به بررسی ارتباط کیفیت حسابرسی و مدیریت سود در مراحل قبل و بعد از عرضه عمومی سهام پرداختند و به این نتیجه رسیدند که اولاً، در چنین شرکت‌هایی مدیریت سود رخ می‌دهد و ثانیاً، بین مدیریت سود و کیفیت حسابرسی ارتباط معنی‌داری وجود دارد، به این صورت که بالاتر بودن کیفیت حسابرسی موجب کاهش مدیریت سود در این شرکت‌ها می‌شود [۱۱].

بورگستالر^۷ و همکاران (۲۰۰۶) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های خصوصی در مقایسه با شرکت‌های دولتی، مدیریت سود بیشتری داشته و این شرکت‌ها در کشورهای دارای سیستم قضایی قوی‌تر، مشارکت کمتری در مدیریت سود دارند [۱۰]. هم‌چنین بال^۸ و شیوا

1 Dechow

2 Sloan

3 Sweeney

4 Becker

5 Francis

6 Initial Public Offering (IPO)

7 Burgstahler

8 Ball

کومار^۱ (۲۰۰۵) بیان کردند که شرکت‌های خصوصی کمتر از شرکت‌های دولتی اقدام به اعلام به موقع زیان‌های خود می‌کنند [۸].

تندلو و وانسترای لن (۲۰۰۸) نیز در پژوهشی زیر عنوان "مدیریت سود و کیفیت حسابرسی در اروپا: شرکت‌های بخش خصوصی"، با در نظر گرفتن ۴ شرکت بزرگ حسابرسی به عنوان حسابرسان با کیفیت و بررسی مدیریت سود در شرکت‌های حسابرسی شده توسط این ۴ شرکت و مقایسه با مدیریت سود صورت گرفته در شرکت‌هایی که توسط غیر ۴ شرکت بزرگ حسابرسی شده‌اند، به این نتیجه رسیدند که بین مدیریت سود و کیفیت حسابرسی، ارتباط معنی‌داری وجود داشته و کیفیت بالای حسابرسی در شرکت‌هایی که دارای قوانین مالیاتی مشابه هستند، باعث کاهش در مدیریت سود می‌شود [۲۱].

۳-۲- پیشینه پژوهش داخلی

در ایران پژوهش‌های محدودی در این زمینه انجام شده است و اکثر پژوهش‌های انجام شده در رابطه با کیفیت حسابرسی است که به شرح زیر ارائه می‌گردد [۵]:

مجتهد زاده و همکاران (۱۳۸۳) در پژوهشی زیر عنوان "عوامل مؤثر بر کیفیت حسابرسی مستقل از دیدگاه حسابرسان مستقل و استفاده‌کنندگان"، ۲۴ عامل مؤثر در کیفیت حسابرسی را شناسایی کرده که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: ۱. بازدید حسابرس مستقل شریک و مدیر ارشد از مراحل کار حسابرسی، ۲. داشتن اطلاعات کافی در مورد صنعت صاحب‌کار، ۳. اهمیت حق‌الزحمه حسابرسی برای مؤسسه حسابرسی.

حساس یگانه و همکاران (۱۳۸۴) در پژوهشی زیر عنوان "عوامل مؤثر بر استقلال و شایستگی اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران در ارائه خدمات گواهی"، به بررسی کیفیت حسابرسی پرداختند که نتیجه آن تعیین ۷ عامل مؤثر زیر جهت ارتقای کیفیت حسابرسی بود [۲]:

(۱) تخصص‌گرایی، (۲) کارایی حسابرسی، (۳) کشف تحریفات با اهمیت، (۴) تضاد منافع،

(۵) وجود قوانین و مقررات، (۶) مکانیزم بازار و (۷) اندازه مؤسسات حسابرسی.

علوی طبری و همکاران به این نتیجه رسیدند که کیفیت حسابرسی بر اساس اندازه حسابرسان و تخصص صنعتی با پیش‌بینی دقیق‌تر سود رابطه دارد [۴].

¹ Shivakumar

۴- روش پژوهش

این پژوهش به بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. بنابراین، این مطالعه کاربردی است و از طرح فقط پس آزمون استفاده می‌کند. در این نوع پژوهش‌ها، پژوهش‌گر کنترلی بر روی داده‌های جمع‌آوری شده ندارد و چون در این پژوهش به دنبال تعیین رابطه بین متغیرهای کیفیت حسابرسی و مدیریت سود هستیم، روش پژوهش از نوع همبستگی می‌باشد.

۴-۱- ضرورت انجام پژوهش

ضرورت انجام این پژوهش به قرار زیر است:
شرکت‌های خصوصی، بخشی از اقتصاد ایران را تشکیل می‌دهند. با توجه به این که روند خصوصی سازی با اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی شتاب بیش‌تری گرفته است، لزوم حسابرسی با کیفیت صورت‌های مالی این شرکت‌ها برای پذیرش سهام آن‌ها در بورس اوراق بهادار تهران ضروری به نظر می‌رسد. هم‌چنین با وجود انگیزه‌های مدیران برای اعمال مدیریت در سود، لازم است رابطه بین مدیریت سود و کیفیت حسابرسی به منظور ارائه اطلاعاتی جهت تصمیم‌گیری بهتر استفاده‌کنندگان این صورت‌ها، بررسی و مشخص شود.

در سال‌های اخیر که از یک طرف، مبارزه با مفاسد اقتصادی به طور جدی مورد توجه جامعه و دولت مردان قرار گرفته و از طرف دیگر، اندازه و تعداد شرکت‌های سهامی عام و استفاده‌کنندگان از اطلاعات حسابداری در حال افزایش هستند، انتظار می‌رود حرفه حسابرسی هم‌گام با انتظارات جامعه بر کیفیت کار خود بیفزاید. طبق پژوهش‌های صورت گرفته، فاصله بین مدیریت سود و تقلب‌های گزارش شده چندان زیاد نیست و از آنجایی که وظیفه اصلی حسابرسان کشف تقلب نیست، در این پژوهش با بررسی ارتباط بین مدیریت سود و کیفیت حسابرسی، امید است که خطر و نقش تقلب در شرکت‌هایی که مدیریت سود را دنبال نموده‌اند هم برای استفاده‌کنندگان و هم برای حسابرسان روشن گردد و سازه‌های مؤثر بر کیفیت حسابرسی نیز شناسایی گردند.

۴-۲- فرضیه‌ها

این پژوهش شامل یک فرضیه اصلی و دو فرضیه فرعی به شرح زیر می‌باشد:

۱. بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی به صورت زیر می‌باشد:

۱. بین اندازه حسابرسی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معنی داری وجود دارد.

۲. بین دوره تصدی حسابرسی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معنی داری وجود دارد.

۴-۳- مدل‌های اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

۴-۳-۱- مدیریت سود

در این پژوهش برای اندازه‌گیری مدیریت سود، از مدل تعدیل شده جونز (ارائه شده توسط دچو، سلوان و سویینی، ۱۹۹۵) استفاده شده است زیرا این مدل قادر به حل مسأله پژوهش در دست می‌باشد. افزون بر این پژوهش‌گران فوق (۱۹۹۵) بر اساس ۴ سری آزمون‌های انجام گرفته به این نتیجه رسیدند که روش جونز تعدیل شده، آزمون مناسب‌تر و قوی‌تری برای بررسی مدیریت سود می‌باشد. این مدل به شرح زیر است (به نقل از بولو و حسینی، ۱۳۸۶، ۷۹):

$$TAC_{it}/TA_{it-1} = a_{0j}(1/TA_{it-1}) + a_{1j}(\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it})/TA_{it-1} + a_{2j}(PPE_{it}/TA_{it-1}) + e_{it} \quad (1)$$

TAC_{it} = جمع اقلام تعهدی (سود قبل از اقلام غیرمترقبه منهای جریان‌های نقدی عملیاتی) در سال t برای شرکت تحت مطالعه i

TA_{it-1} = جمع دارایی‌ها در سال $t-1$ برای شرکت تحت مطالعه i

ΔREV_{it} = تغییرات درآمد طی سال $t-1$ تا t برای شرکت تحت مطالعه i

ΔREC_{it} = تغییرات حساب‌ها و اسناد دریافتی طی سال‌های $t-1$ تا t برای شرکت تحت مطالعه i

PPE_{it} = مبلغ ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات در سال t برای شرکت تحت مطالعه i

e_{it} = مجموع خطای رگرسیون، فرض بر این است که بصورت مقطعی ناهمبسته و دارای توزیع نرمال با میانگین صفر هستند.

سپس این ضرایب برآوردی حاصل از رگرسیون‌های شرکت کنترل برای برآورد میزان ارقام تعهدی مدیریت شده برای هر شرکت نمونه از طریق کسر نمودن ارقام تعهدی مدیریت نشده از جمع ارقام تعهدی به شرح زیر بدست می‌آید.

$$TAEM_{it} = TAC_{it} / TA_{it-1} - a_{0j} (1/TA_{it-1}) - a_{1j} (\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}) / TA_{it-1} - a_{2j} (PPE_{it} / TA_{it-1}) \quad (2)$$

$TAEM_{it}$ = اجزای مدیریت شده ارقام تعهدی شرکت تحت مطالعه i در سال t که معادل جمع ارقام تعهدی اختیاری است (همان منبع، ۸۰).

بعد از تعیین میزان مدیریت سود در شرکت‌ها، از متغیر مجازی استفاده شد. از آنجا که توزیع داده‌های مدیریت سود دارای چولگی به راست بودند از شاخص مرکزی میانه جهت تقسیم‌بندی مدیریت سود استفاده شد. به این صورت که برای شرکت‌های دارای مدیریت سود بالاتر از میانه، مقدار متغیر مجازی برابر یک و برای شرکت‌های دارای مدیریت سود پایین‌تر از میانه، مقدار متغیر مجازی برابر صفر در نظر گرفته شد.

۴-۳-۲- کیفیت حسابرسی

برای تعیین کیفیت حسابرسی از دو متغیر "اندازه حسابرسی" و "دوره تصدی حسابرس" به صورت متغیرهای مجازی استفاده می‌شود. در این پژوهش، سازمان حسابرسی به عنوان مؤسسه بزرگ و دارای اعتبار و شهرت بالا (درجه ۱) و در مقابل سایر مؤسسات حسابرسی (مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی)، که اندازه آن‌ها نسبت به سازمان حسابرسی کوچک‌تر است، به عنوان مؤسسات دارای اعتبار و شهرت پایین (درجه ۲) در نظر گرفته شده است. در صورتی که حسابرس شرکت صاحب کار در طی دوره پژوهش، سازمان حسابرسی بوده است، مقدار متغیر مجازی اندازه حسابرسی برابر با یک و در غیر این صورت مقدار آن برابر با صفر در نظر گرفته شد. به همین ترتیب در صورتی که در طی دوره پژوهش ۷ ساله، حسابرس بیش از ۴ سال، حسابرس شرکت صاحب کار بوده باشد، مقدار متغیر مجازی دوره تصدی حسابرس برابر با یک و در غیر این صورت مقدار آن برابر با صفر در نظر گرفته می‌شود، مجتهد زاده و آقایی (۱۳۸۳) حداقل ۳ سال را برای کسب شناخت از مؤسسه صاحب کار لازم و ضروری می‌دانند.

۴-۴- روش گردآوری داده‌ها

در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، از روش کتابخانه‌ای استفاده بعمل آمد. در بخش کتابخانه‌ای، مبانی نظری پژوهش از کتب و مجلات تخصصی فارسی و انگلیسی گردآوری

گردید و داده‌های پژوهش از طریق جمع‌آوری داده‌های شرکت‌های نمونه با مراجعه به صورت‌های مالی، یادداشت‌های توضیحی و گزارش‌های حسابرس با استفاده از نرم‌افزارهای دناسهم، صحرا و تدبیرپرداز انجام شد.

۴-۵- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در نظر گرفته شد و شرکت‌هایی که دارای شرایط زیر بودند به عنوان نمونه استفاده شدند:

۱. پایان سال مالی شرکت‌ها اسفند ماه هر سال باشد.
 ۲. شرکت‌ها طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۸۰، سال مالی خود را تغییر نداده باشند.
 ۳. شرکت‌ها در طی سال‌های پژوهش صورت‌های مالی خود را به بورس ارائه داده باشند و حداقل سه سال از پذیرش آن‌ها در بورس گذشته باشد.
 ۴. شرکت‌ها در طی سال‌های پژوهش حسابرسی شده باشند.
- بر اساس شرایط بالا، تعداد شرکت‌های نمونه به ۶۱ شرکت رسید.

۴-۶- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش رگرسیونی حداکثر درست‌نمایی- لوجیت باینری استفاده شد چرا که متغیرهای پژوهش به صورت متغیرهای مجازی بودند و جهت انجام آزمون‌های آماری و هم‌چنین آزمون فرضیه‌های پژوهش از نرم‌افزار اقتصادسنجی Eviews 6 استفاده بعمل آمد و به منظور تعیین معنی‌داری کل مدل رگرسیونی، از آماره ضریب تعیین مک فادن و آماره نسبت درست‌نمایی استفاده گردید (شیرین بخش و حسن خونساری، ۱۳۸۴، ۱۱۹-۱۱۶). لازم به ذکر است که ضریب تعیین مک فادن در روش رگرسیونی حداکثر درست‌نمایی- لوجیت باینری معادل ضریب تعیین در رگرسیون معمولی است.

۵- تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

نگاره ۱ آمار توصیفی مطالعه را نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات این نگاره، در بین متغیرهای پژوهش، متغیر اندازه حسابرس در شرکت‌ها دارای بیش‌ترین ضریب پراکندگی (نوسان از مؤسسات حسابرسی درجه ۱ به درجه ۲ و بلعکس) است و این موضوع دلالت بر تمایل بیش‌تر صاحب‌کاران بر تغییر حسابرسان (از سازمان حسابرسی به سایر مؤسسات حسابرسی و بلعکس) در

طی دوره‌های پژوهش دارد. چون در سال‌های اخیر، حسابرسی به سازمان‌های خصوصی عضو جامعه انتقال داده شده است، لذا، طبیعی است که بعضی از عملیات حسابرسی به شرکت‌های خصوصی انتقال یابد. از طرف دیگر متغیر دوره تصدی حسابرس دارای کم‌ترین ضریب پراکندگی (نوسان از مؤسسات حسابرسی درجه ۱ به درجه ۲ و بلعکس) است و این امر نشان می‌دهد صاحب کارانی که حسابرس (اعم از سازمان حسابرسی و سایر مؤسسات حسابرسی) آن‌ها را به مدت بیش از چهار سال حسابرسی کرده است، تمایل چندانی به تغییر حسابرس از خود نشان نمی‌دهند. علت این موضوع می‌تواند بنا به دو دلیل باشد: (۱) این قبیل مؤسسات یا کار خود را به درستی انجام داده‌اند و یا طبق قوانین و مقررات ملزم به استفاده از خدمات آن‌ها هستند (دلایل مثبت). (۲) صاحب کاران با این قبیل مؤسسات هم‌دست هستند (دلیل منفی).

نگاره ۱: آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیرها	مدیریت سود	دوره تصدی حسابرس	اندازه حسابرس
تعداد نمونه	۶۱	۶۱	۱۴۴
میانگین	۰/۴۹	۰/۶۱	۰/۴۳
انحراف استاندارد	۰/۵۰	۰/۴۹	۰/۵۰
ضریب پراکندگی	۱/۰۲	۰/۸۰	۱/۱۶

نگاره ۲ نتایج مربوط به تبیین رابطه بین مدیریت سود و کیفیت حسابرسی را در قالب دو معیار اندازه حسابرس و دوره تصدی حسابرس با استفاده از مدل رگرسیونی حداکثر درست‌نمایی - لوجیت باینری ارائه می‌دهد. همان‌طور که ضرایب رگرسیونی نشان می‌دهد رابطه‌ای مثبت بین مدیریت سود و معیارهای کیفیت سود وجود دارد، ولی این ضرایب از لحاظ آماری معنی‌دار نمی‌باشد. هم‌چنین آماره نسبت درست‌نمایی و ضریب تعیین مک فادن نیز به ترتیب دلالت بر معنی‌دار نبودن مدل در حالت کلی و ضعیف بودن این رابطه دارد. لازم به ذکر است که ضریب تعیین مک فادن مشابه ضریب تعیین رگرسیون معمولی است.

نگاره ۳ میزان همبستگی بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. طبق این نگاره، به دلیل بالا بودن ضریب همبستگی بین متغیرهای مستقل اندازه حسابرس و دوره تصدی حسابرس (۰/۵۳)، این مدل

۱ تعداد شرکت‌هایی که در کل دوره پژوهش، حسابرس آن‌ها یا سازمان حسابرسی بوده است یا فقط سلیر مؤسسات حسابرسی.

دارای مشکل هم خطی می باشد. این موضوع نشان می دهد که اکثر شرکت هایی که به مدت بیش از چهار سال، حسابرس آنها یک مؤسسه حسابرسی خاص بوده است، در کل دوره پژوهش، حسابرس خود را عوض نکرده اند. برای رفع مشکل هم خطی، مدل های رگرسیونی به صورت جداگانه تخمین زده شد که نتایج آن در نگاره ۴ و ۵ ارائه شده است.

نگاره ۲: مدل کلی رگرسیونی حداکثر درست نمایی-لوجیت باینری

اندازه حسابرس	دوره تصدی حسابرس	مقدار ثابت	مدیریت سود = متغیر وابسته
۰/۰۷	۱/۱۶	-۰/۶۹	ضرایب رگرسیونی
۰/۰۹	۱/۳۹	-۱/۱۳	مقدار آماره Z
۰/۹۳	۰/۱۶	۰/۲۶	مقدار احتمال
مقدار احتمال	مقدار آماره LR ^۱	درجه آزادی	آماره نسبت درست نمایی
		۲	۳/۰۳
۰/۰۵		ضریب تعیین مک فادن ^۲	

نگاره ۳: میزان همبستگی بین متغیرهای پژوهش

اندازه حسابرس	مدیریت سود	دوره تصدی حسابرس	مدیریت سود
۰/۱۵	۱	۰/۲۶	مدیریت سود
۰/۵۳	۰/۲۶	۱	دوره تصدی حسابرس
۱	۰/۱۵	۰/۵۳	اندازه حسابرس
۴۴	۶۱	۶۱	تعداد نمونه

ضرایب مدل رگرسیونی مندرج در نگاره ۴ نشان می دهد که بین مدیریت سود و اندازه حسابرس رابطه مثبت وجود دارد که به لحاظ آماری معنی دار نبوده و با توجه به ضریب تعیین مک فادن (۰/۰۲) این رابطه ضعیف می باشد. هم چنین آماره نسبت درست نمایی دلالت بر معنی دار نبودن مدل در حالت کلی دارد. رابطه مثبت بین این دو متغیر نشان می دهد که اندازه حسابرس به عنوان یکی از معیارهای کیفیت حسابرسی بر میزان مدیریت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیرگذار است ولی ضعیف بودن این رابطه بیان گر این موضوع است که عوامل بی شماری به جز اندازه حسابرس بر مدیریت سود اثرگذار است. ضرایب مدل رگرسیونی مندرج در نگاره ۵ نیز نشان می دهد که بین مدیریت سود و دوره تصدی حسابرس رابطه مثبت

¹ Likelihood Ratio (LR) test

² McFadden Determinant Coefficient

وجود دارد و این رابطه در سطح ۹۵٪ معنی دار می باشد. با توجه به ضریب تعیین مک فادن (۰/۰۵) این رابطه باز هم ضعیف بوده ولی آماره نسبت درست‌نمایی دلالت بر معنی دار بودن مدل در حالت کلی دارد. این نتایج نشان می دهد در شرکت هایی که دوام حسابرس در آن‌ها بیش تر است، میزان مدیریت سود بیش تر است و وجود رابطه ضعیف بین این دو متغیر نیز دلالت بر وجود سازه-های دیگر تأثیرگذار بر مدیریت سود شرکت‌ها دارد.

نگاره ۴: مدل رگرسیونی حداکثر درست‌نمایی-لوجیت باینری اندازه حسابرس

اندازه حسابرس	مقدار ثابت		مدیریت سود = متغیر وابسته
۰/۶۲	-۰/۰۸		ضرایب رگرسیونی
۰/۹۹	-۰/۱۹		مقدار آماره Z
۰/۳۱	۰/۸۴		مقدار احتمال
مقدار احتمال	مقدار آماره LR		آماره نسبت درست‌نمایی
	درجه آزادی		
۰/۲۵	۳	۱	
۰/۰۲		ضریب تعیین مک فادن	

نگاره ۵: مدل رگرسیونی حداکثر درست‌نمایی-لوجیت باینری دوره تصدی حسابرس

دوره تصدی حسابرس	مقدار ثابت		مدیریت سود = متغیر وابسته
۱/۰۸	-۰/۶۹		ضرایب رگرسیونی
۱/۹۷	-۱/۶۳		مقدار آماره Z
۰/۰۴	۰/۰۹		مقدار احتمال
مقدار احتمال	مقدار آماره LR		آماره نسبت درست‌نمایی
	درجه آزادی		
۰/۰۴	۴/۰۳	۱	
۰/۰۵		ضریب تعیین مک فادن	

از آن‌جا که دوره تصدی حسابرس در طی دوره پژوهش ممکن است متعلق به سازمان حسابرسی و یا سایر مؤسسات حسابرسی باشد، برای تفکیک دوره تصدی حسابرسی سازمان حسابرسی از سایر مؤسسات حسابرسی، اقدام شد. نتایج آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش با دوره تصدی سازمان حسابرسی و سایر مؤسسات حسابرسی و هم‌چنین ضریب همبستگی بین متغیرهای پژوهش در این دو حالت به ترتیب در نگاره ۶ تا ۹ ارائه شده است. نتایج نشان می دهد که بین میانگین مدیریت سود در شرکت‌های صاحب کار با دوره تصدی سازمان حسابرسی و سایر مؤسسات

حسابرسی تفاوت معنی داری وجود ندارد ولی تا حدودی مدیریت سود در شرکت های با دوره تصدی سازمان حسابرسی به دلیل پایین تر بودن ضریب پراکندگی دارای ثبات بیش تری است. هم- چنین ضریب همبستگی بین اندازه حسابرس و دوره تصدی حسابرس در نگاره ۸ و ۹ دلالت بر تغییر بیش تر سایر مؤسسات حسابرسی (۰/۷۶ در مقابل ۰/۹۵) به عنوان حسابرس در شرکت های مورد بررسی در طی دوره پژوهش دارد.

نگاره ۶: آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش با دوره تصدی سازمان حسابرسی

متغیرها	مدیریت سود	دوره تصدی حسابرس	اندازه حسابرس
تعداد نمونه	۲۰	۱۲۰	۲۱۹
میانگین	۰/۶۰	۱	۱
انحراف استاندارد	۰/۵۰	۰	۰
ضریب پراکندگی	۰/۸۳	۰	۰

نگاره ۷: آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش با دوره تصدی سایر مؤسسات حسابرسی

متغیرها	مدیریت سود	دوره تصدی حسابرس	اندازه حسابرس
تعداد نمونه	۱۷	۳۱۳	۴۱۷
میانگین	۰/۵۹	۱	۰
انحراف استاندارد	۰/۵۱	۰	۰
ضریب پراکندگی	۰/۸۶	۰	۰

نگاره ۸: همبستگی بین متغیرهای پژوهش با دوره تصدی سازمان حسابرسی

مدیریت سود	دوره تصدی حسابرس	اندازه حسابرس
مدیریت سود	۰/۶۰	۰/۶۳
دوره تصدی حسابرس	۰/۶۰	۰/۹۵

- ۱ تعداد شرکت هایی که در کل دوره پژوهش بیش از ۴ سال، حسابرس آن ها با سازمان حسابرسی بوده است.
- ۲ تعداد شرکت هایی که در کل دوره پژوهش، حسابرس آن ها با سازمان حسابرسی بوده است.
- ۳ تعداد شرکت هایی که در کل دوره پژوهش بیش از ۴ سال، حسابرس آن ها با سایر مؤسسات حسابرسی (بدون تغییر) بوده است.
- ۴ تعداد شرکت هایی که در کل دوره پژوهش، حسابرس آن ها با سایر مؤسسات حسابرسی (بدون تغییر) بوده است.

اندازه حسابرس	۰/۶۳	۰/۹۵	۱
تعداد نمونه	۲۰	۲۰	۱۹

نگاره ۹: همبستگی بین متغیرهای پژوهش با دوره تصدی سایر مؤسسات حسابرسی

مدیریت سود	دوره تصدی حسابرس	اندازه حسابرس	
مدیریت سود	۰/۵۹	۰/۶۲	۱
دوره تصدی حسابرس	۱	۰/۷۶	۰/۵۹
اندازه حسابرس	۰/۷۶	۱	۰/۶۲
تعداد نمونه	۱۳	۱۷	۱۷

۶- بحث و نتیجه گیری

هدف از انجام این پژوهش تعیین رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در حالت کلی رابطه معنی داری بین معیارهای کیفیت حسابرسی یعنی اندازه حسابرس و دوره تصدی حسابرس و مدیریت سود وجود ندارد که به دلیل وجود همبستگی بالا بین متغیرهای مستقل و در نتیجه ایجاد مشکل هم خطی در مدل کلی، رابطه بین مدیریت سود و متغیرهای مستقل پژوهش به صورت جداگانه بررسی گردید. نتایج نشان می‌دهد که بین مدیریت سود و معیار اندازه حسابرس یک رابطه مثبت ولی ضعیف وجود دارد که از لحاظ آماری معنی دار نمی‌باشد. مثبت بودن این رابطه دلالت بر تأثیرگذاری مثبت وجود سازمان حسابرسی به عنوان مؤسسه حسابرسی دارای حسن شهرت و اعتبار بر میزان مدیریت سود شرکت‌ها دارد و ضعیف بودن این رابطه دلالت بر تأثیرگذاری سازه‌های مختلف بر مدیریت سود شرکت‌ها دارد. اما بین مدیریت سود و دوره تصدی حسابرس یک رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد. این امر نشان می‌دهد که در شرکت‌های صاحب کار که یک حسابرس به مدت چند سال کار حسابرسی آن شرکت را انجام می‌دهد، میزان مدیریت سود و هم چنین پایداری آن در صورتی که دوره تصدی حسابرس با سازمان حسابرسی باشد، بیش تر است و لذا استفاده کنندگان از صورت‌های مالی باید در تجزیه و تحلیل خود به دوره تصدی حسابرس توجه داشته باشند و هم چنین بورس اوراق بهادار نیز باید در قیمت گذاری سهام این شرکت‌ها به این موضوع عنایت داشته باشد.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد صاحب کارانی که حسابرس (اعم از سازمان حسابرسی و سایر مؤسسات حسابرسی) آن‌ها را به مدت بیش از یک سال حسابرسی کرده است، تمایل چندانی به

تغییر حسابرس از خود نشان نمی دهند. علت این موضوع می تواند دو دلیل زیر باشد: (۱) این قبیل مؤسسات یا کار خود را به درستی انجام داده اند و یا طبق قوانین و مقررات ملزم به استفاده از خدمات آنها هستند (دلایل مثبت) و یا (۲) صاحب کاران با این قبیل مؤسسات هم دست هستند (دلیل منفی).

نتایج این پژوهش در حالت کلی مغایر با نتایج پژوهش های بکر و همکاران [۹] و فرانسیس و همکاران [۱۵] و در رابطه با معیار دوره تصدی حسابرس نیز مغایر با نتایج مایرز و همکاران [۱۸] و چن و همکاران [۱۱] و هم راستا با نتایج پژوهش بورگستالر و همکاران [۱۰] در حالت کلی است، در ایران پژوهشی که به بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود پردازد، انجام نشده است. لذا مقایسه نتایج این پژوهش با مطالعات داخلی امکان پذیر نمی باشد.

۷- پیشنهادهای ناشی از یافته های پژوهش

۱. پیشنهاد می شود که استفاده کنندگان صورت های مالی هنگام تجزیه و تحلیل شرکت های حسابرسی شده، به دوره تصدی حسابرس توجه داشته باشند.
۲. پیشنهاد می شود که سازمان بورس اوراق بهادار در قیمت گذاری سهام شرکت ها، دوره تصدی حسابرس را مدنظر داشته باشند.
۳. پیشنهاد می شود که سازمان بورس اوراق بهادار، قوانین و مقرراتی را اتخاذ کند که تا حد امکان شرکت های پذیرفته شده در بورس در طول سال های متممادی از وجود حسابرسان مختلف جهت حسابرسی صورت های مالی استفاده کنند.

۸- پیشنهاد برای پژوهش های آتی

۱. تکرار این پژوهش با استفاده از سایر معیارهای کیفیت حسابرسی در پژوهش های انجام شده قبلی از قبیل بازدید حسابرس مستقل شریک و مدیر ارشد از مراحل کار حسابرسی، داشتن اطلاعات کافی در مورد صنعت صاحب کار، اهمیت حق الزحمه حسابرسی برای مؤسسه حسابرسی، تخصص گرایی، کارایی حسابرسی، کشف تحریفات با اهمیت، تضاد منافع، وجود قوانین و مقررات و مکانیزم بازار.
۲. مقایسه قدرت توضیحی سایر معیارهای کیفیت حسابرسی با معیارهای اندازه حسابرس و دوره تصدی حسابرس در تعیین مدیریت سود شرکت ها.
۳. بررسی رابطه غیر خطی بین مدیریت سود و معیارهای کیفیت حسابرسی.

۴. بررسی رابطه بین مدیریت سود و دوره تصدی حسابرس با استفاده از متغیر مجازی، به این ترتیب که اگر دوره تصدی حسابرس با سازمان حسابرسی است، مقدار متغیر مجازی برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر در نظر گرفته شود.

۵. تعیین مدیریت سود با استفاده مدلی غیر از مدل تعدیل شده جونز و بررسی رابطه آن با معیارهای کیفیت حسابرسی.

منابع و مآخذ

منابع فارسی

۱. بولو، قاسم و سید علی حسینی (۱۳۸۶). "مدیریت سود و اندازه گیری آن: رویکردی نظری"، فصلنامه حسابدار رسمی، شماره ۱۲، ۷۲-۸۸.
۲. حساس یگانه، یحیی و علی جعفری (۱۳۸۴). "عوامل مؤثر بر استقلال و شایستگی اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران در ارائه خدمات گواهی"، فصلنامه مطالعات حسابداری، شماره ۱۰، ۷۱-۹۴.
۳. شیرین بخش، شمس الله و زهرا حسن خونساری (۱۳۸۴). کاربرد Eviews در اقتصادسنجی، چاپ اول، تهران: پژوهشکده امور اقتصادی
۴. علوی طبری، سید حسین، خلیفه سلطان، سید احمد و شهندیان، ندا. (۱۳۸۸). "کیفیت حسابرسی و پیش بینی سود". تحقیقات حسابداری، شماره ۳.
۵. مجتهدزاده، ویدا و پروین آقایی (۱۳۸۳). "عوامل مؤثر بر کیفیت حسابرسی مستقل از دیدگاه حسابرسان مستقل و استفاده کنندگان"، بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۳۸، ۵۳-۷۶.
۶. مجتهدزاده، ویدا و ولی زاده لاریجانی، اعظم. (۱۳۸۹). "رابطه مدیریت سود و بازده آتی دارایی ها و جریان نقد عملیاتی آتی". تحقیقات حسابداری، شماره ۶.

۷. نمازی، محمد (برگرداننده) (۱۳۷۹). پژوهش‌های تجربی در حسابداری: دیدگاه روش‌شناختی، چاپ اول، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.

8. Ball, R. & Shivakumar, L. (2005). "Earnings Quality in UK Private Firms", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 39, No. 1, 83-128.
9. Becker, C. L.; DeFond, M. L.; Jiambalvo, J. & Subramanyam, K. R. (1998). "The Effect of Audit Quality on Earning Management", *Contemporary Accounting Research*, Vol. 15, 1-24.
10. Burgstahler, D. C.; Hail, L. & Leuz, C. (2006). "The Importance of Reporting Incentives: Earnings Management in European Private and Public Firms", *The Accounting Review*, Vol. 81, No. 5, 983-1016.
11. Chen, K.; Lin L. K. & Zhou, J. (2005). "Audit Quality and Earnings Management for Taiwan IPO Firms.", *Managerial Accounting Journal*, Vol. 20, No. 1, 86-104.
12. DeAngelo, L. E. (1981). "Auditor Size and Audit Quality", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 3, No. 3, 183-199.
13. Dechow, P. M., Sloan, R. G. & Sweeney, A. P. (1995). "Detecting Earnings Management", *Accounting Review*, Vol. 70, 193-225.
14. Dye, R. (1988). "Earnings Management in An Overlapping Generations Model", *Journal of Accounting Research*, Vol. 26, 195-235.
15. Francis, J. R.; Maydew, E. L. & Sparks, H. C. (1999). "The Role of Big Six Auditors in the Credible Reporting of Accruals", *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, Vol. 18, 17-35.
16. Healy, P. M. and. Wahlen, J. M. (1999). "A Review of the Earnings Management Literature and Its Implications for Standard Setting", *Accounting Horizons*, Vol.13, 365-383.

17. Kellog, I. & Kellog, L. B. (1991). *Fraud Window Dressing and Negligence in Financial Statement*, Colorado: McGraw Hill.
18. Myers, J. N., Myers, L. A., & Omer, T. C. (2003). "Exploring the Term of the Auditor–client Relationship and the Quality of Earnings: A Case for Mandatory Auditor Rotation?", *Accounting Review*, Vol. 78, 779–800.
19. Palmrose, Z. (1988). "An Analysis of Auditor Litigation and Audit Service Quality", *The Accounting Review*, Vol. 64, No.1, 55-73.
20. Scott, W. R. (1997). *Financial Accounting Theory*, Scarborough: Prenting Hall.
21. Tendello, B. & Vanstraelen, A. (2008). "Earnings Management and Audit Quality in Europe: from the Private Client Segment", *European Accounting Review*, Vol. 17, No. 3, 447-469.